

سرمقاله

# اوضاع کشور را آشفته تر نسازید

حفيظ الله زكي

با گذشت نزدیک به دو سال از عمر حکومت وحدت ملی، روزنه های امید هر روز بسته می شود و زندگی مردم در وضعیت فلاکت بارتری قرار می گیرد. دو سال قبل سران حکومت وحدت ملی از رشد و توسعه اقتصادی و از خود اتکایی اقتصادی افغانستان سخن گفتند و بهبود زندگی مردم را وعده دادند و از طرح های کلان اقتصادی و استخراج معادن و توسعه صنعت و زراعت نوید می دادند؛ اما اکنون به یک بن بست آشکار مواجه شده اند. اوضاع اقتصادی از زمان روی کار آمدن حکومت وحدت ملی نه تنها بهبود نیافته است بلکه با رکود بی سابقه بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی به این سو مواجه گشته است. میلیارد ها دلار از کشور خارج و در کشورهای همسایه سرمایه گذاری شده است.

اوضاع امنیتی کشور اما رقت بارتر از اوضاع اقتصادی است. به طور متوسط روزانه ده سرباز کشته می شود. بخش های از خاک کشور به دست گروه های مخالف مسلح دولت افتاده است. گروهان گیری به یک فرهنگ تبدیل شده است. کشتار مردم ملکی نیز افزایش چشم گیری داشته است. راه های مواصلاتی ولسوالی ها به ولایت و به پایتخت ناهم می رسد. حکومت در آغاز کار پروسه صلح را جدی گرفته بود. انتظار می رفت که پروسه صلح منجر به آتش بس میان حکومت و مخالفان مسلح دولت شود و ناامنی از میان برداشته شود. ولی نه تنها پروسه صلح نتیجه ای در بر نداشت، بلکه کل پروسه به بن بست مواجه شد. اکنون، حکومت نه اعتمادی روی پاکستان دارد و نه چشم امیدی به گروه طالبان و نه اراده سیاسی برای مبارزه با گروه های دهشت افکن. با این وضعیت انتظار نمی رود در آینده هم وضعیت خوبتر شود.

در عرصه سیاست خارجی نیز اولین شکست حکومت در دوری از پاکستان و بازگشت به نقطه اول است. رئیس جمهور از پنج حلقه در سیاست خارجی خود نام برده بود. حلقه اول روابط با کشور های همسایه بود. حلقه اول اولویت استراتژیک برای حکومت وحدت ملی داشت. حکومت در حلقه اول سیاست خارجی خود با چالش روبرو گردیده است. در این حلقه نه مشکلات تاریخی میان افغانستان و پاکستان حل شد و نه پاکستان دست از حمایت مخالفان مسلح برداشت و علاوه بر آن روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور نیز به شدت آسیب دیده است.

بیکاری و فقر در جامعه بیداد می کند. سردت و توان خرید شهروندان به پایین ترین حد ممکن خود رسیده است. بیکاری و فقر بدون شک، انحرافات و کجروی را در سطح جامعه افزایش داده و زمینه را برای ارتکاب جرایم اجتماعی فراهم نموده است. وضعیت حقوق بشر آشفته و نگران کننده است. اگر از شعار بگذریم، واقعیت این است که وضعیت حقوق بشر نسبت به سال های گذشته وخیم تر شده است. تجاوز در سطح جامعه افزایش یافته است. قتل و خشونت علیه زنان در پنج ماه گذشته بی سابقه گزارش شده است.

مبارزه با فساد و آوردن اصلاحات در بخش های مختلف تنها در حد حرف و سخن باقی مانده است. پرونده فساد کابل بانک باز شد اما نتیجه آن معلوم نشد. فساد های میلیاردی وزیران پیشین دست نخورده باقی مانده است. اصلاحات در کمیسیون مستقل انتخابات و نظام انتخاباتی با اما و اگر های زیادی همراه است. اصلاحات در بخش تدارکات و قراردادی های وزارتخانه معلوم نیست که نتیجه قابل قبول در پی داشته باشد.

اکنون اختلافات سران حکومت وحدت ملی بر سر تقسیم قدرت و تخصیص منابع بار دیگر خبر ساز شده و نگرانی های جدی را در پی آورده است. همه می دانند که مبنای اختلافات سران حکومت وحدت ملی منافع مردم افغانستان نیست، پس توافق شان نیز در راستای منافع مردم نخواهد بود. با آن هم مردم می خواهند، حد اقل در شرایطی که گروه های مسلح تروریستی امنیت کشور را در معرض تهدید جدی قرار داده و مشکلات اقتصادی زندگی خانواده ها را با خطر مواجه کرده است، تیم های شریک در قدرت از اختلافات خود بکاهدند و اوضاع را بیشتر از این آشفته نسازند.

رهبران حکومت وحدت ملی در سومین نشست شان به توافق های مهمی دست یافتند. رابطه دو رهبر وحدت ملی پس از انتقادات تند رئیس اجرائیه از رئیس جمهور پرتنش شده بود. آنها برای حل این تنش ها، برای سومین بار باهم دیدار کردند و در این دیدار بر سر مسایل مختلف باهم به توافق رسیدند.

بر اساس اعلامیه ای که دفتر مطبوعاتی ریاست اجرائیه منتشر کرده است، رهبران حکومت وحدت ملی در سومین ملاقات شان، درباره اصلاح نظام انتخاباتی، توزیع تذکره های الکترونیکی، تشکیل کمیسیون تعدیل قانون اساسی، تعیین اعضای کمیته نظارت بر تطبیق موافقت نامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی و عدم تبعیض در تصمیم گیری و بررسی مکمل تعیینات در چند ماه اخیر، باهم به توافقاتی دست یافته اند. گفته می شود در جریان این هفته آنها جزئیات بیشتری در باره چگونگی این توافقات ارائه خواهند کرد.

بر اساس موافقت نامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی، قدرت سیاسی باید بصورت ۵۰-۵۰ بین دو رقیب انتخاباتی تقسیم می شود، اما حالا گفته می شود که سهم رئیس اجرائیه کمتر از آن چیزی است که در موافقت نامه سیاسی گنجانده شده است و بسیاری از تقرری های اخیر بدون مشورت او صورت گرفته است. رئیس اجرائیه قبلا در سخنرانی هایش گفته بود که چیزی بیشتر از تطبیق موافقت نامه سیاسی نمی خواهد و تطبیق موافقت نامه سیاسی را بصورت جزء به جزء پی گیری خواهد کرد.

تنش های سیاسی درون حکومتی رهبران حکومت، بالای وضعیت امنیتی و روابط اجتماعی در کشور تاثیر زیادی گذاشته بود و در مدتی که روابط ارگ و سیدیدار به تیرگی گراییده بود، وضعیت امنیتی کشور بسیار بد بود و هر روز از سقوط ولسوالی ها و شدت گرفتن جنگ در ولایت های مختلف کشور، خبر می رسید. این نشان می داد که نوعی ناهماهنگی در درون حکومت وجود دارد که حتی جبهه های جنگ را متاثر ساخته است و بر موارا و روحیه سربازان

# فصل آشتی و توافق

مهدي مدبر



حکومت دل خوش کند و امیدوار باشند، آنها بعد از دو سال انتظار و وعده شنیدن، اکنون می خواهند که تعهد حکومت وحدت ملی برای ثبات و آینده ی کشور را در عرصه ی عمل مشاهده کنند و این انتظار یک انتظار خیلی زیاد از رهبران حکومت نیست و باید برآورده شود.

فصل آشتی و توافق رهبران حکومت وحدت ملی، باید فصل عمل باشد، فصل وعده دادن و حرف زدن پایان یافته است. آنها باید روی عملی سازی اصلاحات در نظام انتخابات، تعدیل قانون اساسی و مشروعیت دادن به جایگاه ریاست اجرائیه، روند توزیع تذکره های الکترونیکی و برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، تمرکز کنند. آنها باید تلاش ورزند تا دولت مطابق قانون اساسی کشور بوجود بیاید. اکنون جایگاه ریاست اجرائیه قانونی نیست و همچنان پارلمان کشور از جایگاه قانونی برخوردار نیست و بر اساس حکم رئیس جمهور فعالیت می کند. این موارد باعث می شود که قانون اساسی کشور تا دیده گرفته شود و فرهنگ بی قانونی نیز افزایش یابد. دولت زمانی می تواند بر اساس قانون اساسی کشور تشکیل شود که انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی برگزار گردد و قانون اساسی کشور نیز تعدیل شود و جایگاه ریاست اجرائیه در قانون اساسی گنجانده شود. رهبران حکومت وحدت ملی باید به این درک رسیده باشند که تنش ها و اختلافات سیاسی آنها، کشور را بسوی بحران سیاسی سوق می دهد، آنها باید از تشدید تنش های چند هفته پیش دانسته باشند که اگر این وضعیت ادامه یابد احتمال دارد کار به جای بکشد که دیگر آنها قادر به کنترل وضعیت نباشند و مدیریت وضعیت سیاسی و امنیتی کشور از دست آنها خارج گردد. بنا بر این، با توجه به وضعیت امنیتی شکننده و نا رضایتی افکار عامه از حکومت وحدت ملی، بیش از هر زمانی لازم است که رهبران حکومت وحدت ملی با توافق هم و هماهنگ کار کنند تا هم بتوانند بر مشکلات امنیتی و سیاسی فایز آیند و هم اعتماد و حمایت مردم را دوباره به دست بیاورند.

شود که یکی از موارد توافقات جدید هر دو رهبر حکومت وحدت ملی، این است که یک جدول زمانی دقیق برای تطبیق موافقت نامه سیاسی تهیه شود و طبق آن مواردی که در توافق نامه گنجانده شده است، عملی گردد. این کار علاوه بر اینکه بسک نظم دقیق را در برنامه های حکومت به وجود می آورد، روند پیشرفت و تطبیق موافقت نامه سیاسی را نیز به خوبی مشخص می سازد و برای شهروندان کشور نیز مشخص خواهد شد که حکومت وحدت ملی کدام یک از برنامه هایش را عملی کرده است و در عملی سازی کدام برنامه هایش ناکام مانده است. در واقع رهبران حکومت وحدت ملی برای جلوگیری از بوجود آمدن تنش های بیشتر درون حکومتی، راهی جز توافق و گفتگو ندارند. آنها بر اساس یک توافق نامه سیاسی حکومت تشکیل داده اند و مشروعیت شان را هم از همان توافق نامه سیاسی بدست آورده اند نه از طریق انتخابات و رای مردم. بنا بر این مجبور هستند که بر اساس ماده های همان توافق نامه با همدیگر کار کنند و امورات حکومت را به پیش برند. امتناع از گفتگو و در نظر نگرفتن مواد موافقت نامه سیاسی، می تواند برای هر دو جانب، مشکل ساز باشد

شود که یکی از موارد توافقات جدید هر دو رهبر حکومت وحدت ملی، این است که یک جدول زمانی دقیق برای تطبیق موافقت نامه سیاسی تهیه شود و طبق آن مواردی که در توافق نامه گنجانده شده است، عملی گردد. این کار علاوه بر اینکه بسک نظم دقیق را در برنامه های حکومت به وجود می آورد، روند پیشرفت و تطبیق موافقت نامه سیاسی را نیز به خوبی مشخص می سازد و برای شهروندان کشور نیز مشخص خواهد شد که حکومت وحدت ملی کدام یک از برنامه هایش را عملی کرده است و در عملی سازی کدام برنامه هایش ناکام مانده است. در واقع رهبران حکومت وحدت ملی برای جلوگیری از بوجود آمدن تنش های بیشتر درون حکومتی، راهی جز توافق و گفتگو ندارند. آنها بر اساس یک توافق نامه سیاسی حکومت تشکیل داده اند و مشروعیت شان را هم از همان توافق نامه سیاسی بدست آورده اند نه از طریق انتخابات و رای مردم. بنا بر این مجبور هستند که بر اساس ماده های همان توافق نامه با همدیگر کار کنند و امورات حکومت را به پیش برند. امتناع از گفتگو و در نظر نگرفتن مواد موافقت نامه سیاسی، می تواند برای هر دو جانب، مشکل ساز باشد

شود که یکی از موارد توافقات جدید هر دو رهبر حکومت وحدت ملی، این است که یک جدول زمانی دقیق برای تطبیق موافقت نامه سیاسی تهیه شود و طبق آن مواردی که در توافق نامه گنجانده شده است، عملی گردد. این کار علاوه بر اینکه بسک نظم دقیق را در برنامه های حکومت به وجود می آورد، روند پیشرفت و تطبیق موافقت نامه سیاسی را نیز به خوبی مشخص می سازد و برای شهروندان کشور نیز مشخص خواهد شد که حکومت وحدت ملی کدام یک از برنامه هایش را عملی کرده است و در عملی سازی کدام برنامه هایش ناکام مانده است. در واقع رهبران حکومت وحدت ملی برای جلوگیری از بوجود آمدن تنش های بیشتر درون حکومتی، راهی جز توافق و گفتگو ندارند. آنها بر اساس یک توافق نامه سیاسی حکومت تشکیل داده اند و مشروعیت شان را هم از همان توافق نامه سیاسی بدست آورده اند نه از طریق انتخابات و رای مردم. بنا بر این مجبور هستند که بر اساس ماده های همان توافق نامه با همدیگر کار کنند و امورات حکومت را به پیش برند. امتناع از گفتگو و در نظر نگرفتن مواد موافقت نامه سیاسی، می تواند برای هر دو جانب، مشکل ساز باشد

# خستگی ایالات متحده از دست دنیا

بنوا برویل برگردان شهپاز نخعی / قسمت دوم



دست زنده و با مذاکره با روسیه در مورد برچیدن زرادخانه شیمیایی دمشق بر اندیشه اقدام نظامی و هرگونه «تحریک» در برابر ایالات متحده نقطه پایان نهاد. این گسست بر انتخاب واشنگتن در مورد راهبرد «عدم سنگر سازی مجدد» مهر تأیید زد. از عقب نشینی نیروهای نظامی از عراق و افغانستان تا کاهش بودجه و خودداری از اعزام نیروهای جدید نظامی، آقای اوباما کوشید از حضور نظامی آمریکا در دنیا بکاهد تا بتواند خود را روی مشکلات داخلی و چاره جویی برای دخالت های بی ثبات کننده بوش متمرکز کند. علاوه براین، ایده عدم سنگر سازی مجدد آشکارا بر مبنای «اوهانسیای راهبردی» منتشر شده توسط وزارت دفاع در سال ۲۰۱۲ تدوین شده است: «برای دستیابی به هدف های امنیتی، ما به تاکتیک های نرم و کم هزینه دست خواهیم زد (...). نیروهای آمریکایی دیگر در موقعیت انجام عملیات درآمدت درمقیاس وسیع نخواهند بود.»

بود (...). به نظر من، رئیس جمهوری غالباً منطق یک استاد دانشگاه را بر شور و شوق یک رهبر ارجحیت می دهد.» شماری از محافظه کاران تصمیم آقای اوباما را نقطه عطفی همانند توافق «مونینج جدید» می دانند که پیامدهای طولانی ناگواری خواهد داشت: آنها تأکید می کنند که اگر ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ دمشق را تنبیه کرده بود، سازمان حکومت اسلامی (داعش) موفق به جهش نمی شد، ایران جایگاهی چنین قابل ملاحظه در صحنه سوریه اشغال نمی کرد، مسکو جرئت الحاق کریمه به خاک روسیه را نمی داشت و غیره. آقای اوباما پاسخ می دهد که روسیه از لحن رزمجوانانه آقای جرج دبلیو بوش و نیز حضور صد هزار سرباز آمریکایی در عراق نگرانی به خود راه نداد و در سال ۲۰۰۸ درگیری گرجستان و روسیه را در نظر او، مشاهده نشانه بازگشت به زورمداری روسیه در رفتار آقای ولادیمیر پوتین به خاطر «عدم شناخت ماهیت قدرت در عرصه سیاست خارجی است. معنای قدرت واقعی این است که بتوانید بدون توسل به خشونت به آنچه می خواهید دست یابید. روسیه زمانی که اوکراین دولت فاسد دست نشانده ای بود که مسکو سرخ های آن را در دست داشت، از قدرت بیشتری برخوردار بود». به علاوه، واشنگتن در دوران بحران اوکراین غیرفعال نمانده است. آقای اوباما فزون بر تجدید فعالیت «ناتو» در اروپای مرکزی بر اتحادیه اروپا فشار می آورد تا در مورد روسیه تحریم های دیپلماتیک و اقتصادی اعمال کند. به رغم همه اینها، تصمیم در مورد سوریه چرخشی همه جانبه در دیپلماسی آمریکا است. برای نخستین بار پس از سال ۲۰۰۹، آقای اوباما به یک راه حل میانه نظامی

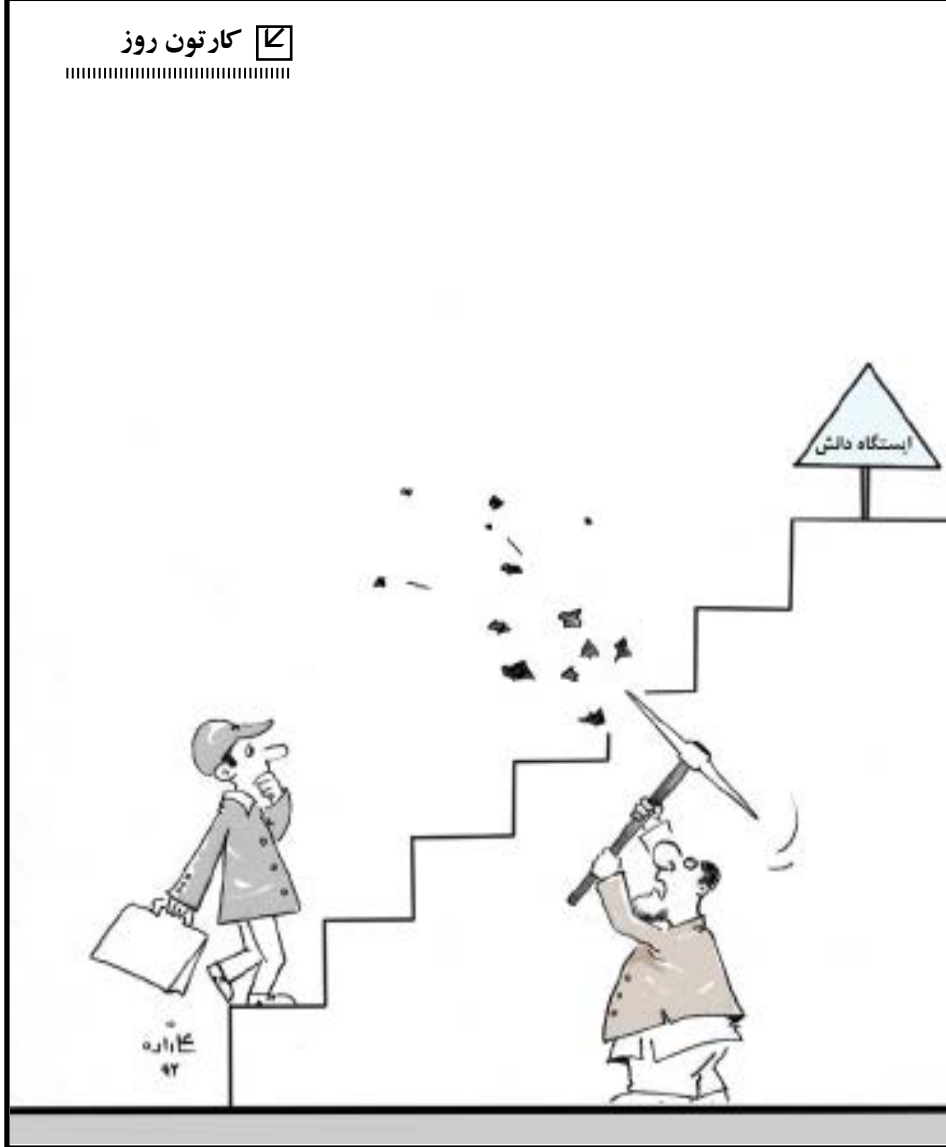
سابقه لیبی تردید و اکراه او در مورد مداخله نظامی را بیشتر کرد. در مدت دو سال، بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ بر شمار محکوم کردن های شفاهی افزود و خواستار کنار رفتن پشار اسد شد و از شورشیان حمایت لفظی کرد، اما هرگز به فکر استفاده از ارتش نیفتاد. سوریه لیبی نیست که کشوری بدون متحدان واقعی باشد. وضعیت در ماه اوت ۲۰۱۳ زمانی تغییر یافت که رژیم پشار اسد متهم به استفاده از سلاح شیمیایی در حومه دمشق شد و به این ترتیب خط قرمز ترسیم شده در یک سال پیش توسط آقای اوباما را زیر پا گذاشت. آیا ایالات متحده، در حالی که پای اعتبارش در میان بود، می توانست غیرفعال بماند؟ در کاخ سفید توافقی بر مبنای ضرورت «تنبیه» پشار اسد شکل گرفت. جو بایدن، معاون رئیس جمهوری که معمولاً چندان هوادار اعزام نیروهای نظامی نبود می گفت: «ملت های بزرگ بلوف نمی زنند». به نظر می آمد که آقای اوباما متقاعد شده باشد و حتی از پنتاگون خواست که هدف های بمباران را تعیین نماید. اما در آخرین لحظه، دربی گفتگویی با آقای مک دونو، ضد مداخله جو ترین مشاورش، رئیس جمهوری اقدام به چرخش کرد و از گروه خود خواست که راه گریزی برایش بجویند. این تصمیم با رگباری از مخالفت ها در فرانسه، عربستان سعودی اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس روبرو شد و موجب گردید که جمهوری خواهان به او نسبت «زدلی» بدهند و شماری از دموکرات ها نیز به خشم آیند و آقای کری احساس کند که «سرخ کلاه گذاشته شده» است. لئون پانتا، وزیر پیشین دفاع در خاطراتش می نویسد که آقای اوباما «پیام بدی برای دنیا فرستاد»، «این امر تأکیدی بر ضعف بیش از پیش و

مداخله نظامی کرد؟ این بار، اطرافیان آقای اوباما، به استثنای خانم کلینتون، حزم اندیش تر بودند. آقای گیتز حتی علناً ابراز کرد که هرکس در نظر داشته باشد نیروهای خود را نزدیک بفرستد باید «اقدام به معاینه مغز خود» کند. اما فشارهایی از جانب رسانه ها و خارج به ویژه از جانب فرانسه و انگلستان که مصمم به ترک ائتلاف بودند و کنگره وارد شد که سناتور دموکرات جان کری و همتای جمهوری خواه او جان مک کین باهم خواستار برقراری یک منطقه پرواز ممنوع بودند. از نو، رئیس جمهوری به گزیننه ای «میانه» دست زد: او مداخله را منتها در چهارچوب یک ائتلاف گسترده با مجوز از سوی سازمان ملل متحد پذیرفت مجوزی که تنها ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع را پیش بینی می کرد و به سرعت از آن تخطی شد و عملیاتی نیز انجام نشد.

آیا در اینجا می توان اثری از «دکترین اوباما» یافت؟ ایالات متحده قصد داشت برای دفاع از منافع خود «از طریق پشت جبهه» (lead from behind) مدیریت کند بدون آن که خود را نشان دهد؛ با بمباران هایی توسط هوایماهای بدون سرنشین، ارجحیت دادن به استفاده مقطعی از نیروهای ویژه یا دیگران را به جای خود گماشتن. روزنامه نگار محافظه کار نوی واشنگتن پیست با خشم این کار را چنین توصیف می کند: «مدیریت از پشت جبهه، مدیریت نیست، یا پس کشیدن است». جنگ سوریه نشان داد که این امر یک دکترین برای رئیس جمهوری آمریکا نبوده بلکه مانند مورد افغانستان موردي بوده است: آقای اوباما کوشید هواداران و مخالفان کاربرد زور را مدیریت کند، بدون آن که رضایت هیچیک را جلب نماید هفت کشور بمباران شده از سال ۲۰۰۹

رئیس جمهوری بی وقفه تکرار می کرد «این بر مبنای منافع ملی نیست» و او نمی خواهد «هزار میلیارد دلار هزینه کند» و خود را درگیر «اقدام برای بازسازی ملی درازمدت» کند. او با خودداری از انتخاب بین عقب نشینی و تعهد نظامی نامحدود مورد درخواست ژنرال مک کریستال، راه حلی بینابینی را برگزید: باقی ماندن ۳۰ هزار سرباز به مدت ۱۸ ماه. او در روز اول دسامبر ۲۰۰۹ در توجیه گزیننه خود گفت: «آمریکا باید نیرومندی خود را به شیوه ای نشان دهد که بر پایان بخشیدن به جنگ ها و پیش بینی درگیری ها منجر شود». بیشتر کارشناسان نظامی این راه حل میانه را خیلی ناکارآمد ارزیابی کردند زیرا به طالبان راه نشان می داد صبر پیشه کنند تا توافق بگذرد.

در سال ۲۰۱۱، در آغاز «بهار عرب» ماجرابی مشابه رخ داد. آیا باید در لیبی، برای سقوط معمر قذافی، به این بهانه که شورشیان بنغازی را به کشتار جمعی تهدید می کند،



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مستول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷